

دوگانه امنیت و امنیتی‌سازی در روابط بین‌الملل (نمونه: امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران)

دکتر محمدجواد ظریف - دانشیار، گروه مطالعات ایران، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
دکتر ساسان کریمی* - پژوهشگر پسادکتری و مدرس، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

چکیده

شناخت امنیتی‌سازی به عنوان مدخلی معرفّی و پذیرفته شده در ادبیات امروز علوم سیاسی نیازمند نوعی تحقیق تبارشناسانه است. از زمان جنگ جهانی اول، محیط بین‌المللی واجد دینامیسم جدیدی در مناسبات رقابت-آمیز میان دولت‌ها بود که با گذشت زمان این رقابت‌ها شکل‌های متنوع و تازه‌ای یافتند. پس از جنگ جهانی دوم و به خصوص پس از پایان جنگ سرد، امنیتی‌سازی به عنوان یکی از روش‌های روزآمد شده در اولویت‌طلبی بازیگرانی بوده است که منافع خود را در اولویت‌بندی‌های منطق معمول سیاسی نمی‌یافتند و بنابراین نیازمند معرفّی نوعی تهدید وجود برای خود بودند.

در همین راستا و به عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های امنیتی‌سازی، آنچه از رفتار رژیم اسرائیل پس از جنگ جهانی دوم شاهد بوده‌ایم همواره با نوعی امنیتی‌سازی طرف مقابل همراه بوده است که ذیل آن بتواند اولویت‌بندی‌های «سیاست عادی» را در پیرامون خود تغییر دهد. هر چند طرف مقابل به اقتضای زمان و عوامل دیگر تغییر کرده است اما رویکرد این رژیم در این خصوص مشابه بوده است. در عین حال امنیتی‌سازی ایران لااقل در مقاطع مهمی از الگوهای بوده که دولت ایالات متّحده آمریکا هم پیگیری کرده است. در پژوهش حاضر به مطالعه تبارشناسانه مفهوم و مصادیق این رویکرد با محوریت استراتژی امنیتی‌سازی ایران در سه دهه گذشته و نیز دیگر موارد می‌پردازیم و متناسب با آن، مبنای چالش شناختی که بالقوه می‌تواند زمینه‌ساز ابتلا به این تله شود را توضیح می‌دهیم.

واژه‌های کلیدی: امنیتی‌سازی، سیاست خارجی، محیط بین‌المللی، تبارشناسی، روابط بین‌الملل، آمریکا، اسرائیل.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین تبلورهای اشکال ادراکی و شناختی را می‌توان در مفهوم امنیت و معانی پیرامون آن در محیط بین‌المللی جستجو کرد. آنچه به عنوان مثالی معنادار و محتوایی در این مورد، پیش روی ماست، امنیت ایران در مقابل پروژه امنیتی‌سازی^۱ ایران در چند دهه گذشته است. امنیت به عنوان یکی از محورهای اصلی منافع ملی و بین‌المللی مطلوب همه دولت‌ها و کارگزاران آن است. اما آنچه ممکن است موضوع غفلت واقع شده باشد، تحول این مفهوم در تناسب با تغییر زمینه‌های محیط بین‌المللی و نیز خلط آن با مفهومی به لغت نزدیک، یعنی امنیتی‌سازی است.

آنچه در ادبیات علوم سیاسی و بیشتر با محوریت مکتب کپنهاگ^۲ در روابط بین‌الملل به عنوان امنیتی‌سازی طرح شده است، نه به امنیت، بلکه به اولویت بخشی به هر آن چیزی است که از منویات گرایش‌های مختلف واقع شده و حالا تلاش می‌شود با بخشیدن رنگ و بوی امنیتی به آن در اولویت و جایگاهی فارغ از روال عادی سیاست‌ورزی قرار داده شود. این اولویت بخشی هم می‌تواند در سیاست داخلی معنادار باشد و هم در سیاست خارجی؛ هم به معنایی ایجابی و برای تقویت آن موضوع و هم در معنای سلبی و تحدید آن.

ایضاح دوگانه‌ی مفهومی امنیت و امنیتی‌سازی در سیاست‌سازی، تبلورهای عملی مهمی را در سیاست خارجی کشور به دنبال دارند. آنچه امنیت دانسته می‌شود، با وقوف بر تله‌ی امنیتی‌سازی موجب تلاش برای همسازی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود و در مقابل، رویکردی که امنیتی شدن را از نگاه می‌اندازد، به رویکردی تهاجمی کم‌محاسبه و با تبعات پیش‌بینی نشده می‌انجامد (Bolouky and et al, 023:236).

در پژوهش حاضر، ضمن توضیح کوتاه نظری در این خصوص به چالش شناختی پیرامون این معنا وارد می‌شویم که اشکال اصلی مورد مطالعه در آن بر تشخیص میان وجوه امنیتی واقعی یک موضوع یا شرایط و برنامه‌ی امنیتی‌سازی آن قرار دارد. به عنوان نمونه‌ی اصلی نظامی‌سازی و امنیتی‌سازی فضای بین‌المللی، به خصوص به موضوع امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران توسط

1. Securitization

2. Copenhagen School

اسرائیل در موضوعات مختلف از جمله مسأله هسته‌ای ایران و پشتیبانی ایالات متحده آمریکا و اروپا از آن می‌پردازیم. ضمن آنکه مفهوم مورد نظر از امنیتی سازی و نظامی سازی و تفاوت دقیق آن با آنچه در مکتب کپنهاگ تعریف شده است شکافته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر محل تلاقی چهار مفهوم نظری است و در واقع مفاهیم زیر سابقه‌ی بنیان‌های نظری امر موضوع این پژوهش هستند به علاوه‌ی تبارشناسی آن در نمونه‌ی مورد نظر این بحث یعنی ایران. به بیان دیگر، این تحقیق، مفهوم پردازی امنیتی سازی را در سطح فرد، مرتبط به نوعی مسأله‌ی مربوط به شناخت دانسته و در سطح سیستم، آن را یکی از ابعاد تغییر اساسی در آنچه در اوضاع و احوال جهان می‌گذرد در نظر گرفته است. می‌توان این‌طور گفت که جهان و نظامات حاکم بر آن در مقایسه با نیمه دوم قرن بیستم دچار تغییرات اساسی شده و این نقش حفره‌ی شناختی را که ابتلاء همیشگی سیاستمداران بوده دوچندان کرده است. این اشکال در درک و شناخت محیط جهانی یکی از زمینه‌های اصلی فراهم آمده برای امنیتی سازی یک موجودیت سیاسی از جمله یک کشور - ملت^۱ است. به عنوان نمونه برای این مفهوم توضیح داده شده، تبارشناسی امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران پس از تغییر نظم جهانی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی تبیین شده است. ذیلاً به تفصیل، هر یک از این زمینه‌های مورد استفاده آمده است:

۱. به عنوان نخستین محور نظری، مفهوم امنیتی سازی مطرح است که مفهوم اصلی مورد واکاوی در پژوهش حاضر است؛ مهم‌ترین آثار در این حوزه، توسط اهالی مکتب کپنهاگ^۲ در روابط بین‌الملل به طبع رسیده‌اند: بری بوزان^۳، ویور^۴ و دیگران. بوزان و همکاران وی در کتاب "چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت" به تفصیل موضوع امنیتی سازی را معرفی و مفهوم پردازی کرده‌اند. نویسندگان اثر مذکور سابقه‌ی طولانی در این دست پژوهش‌ها دارند که خلاصه‌ی آنها را می‌توان در کتاب مورد اشاره یافت.

1. Nation-State

2. Copenhagen School

3. Barry Buzan

4. Ole Wæver

همچنین پژوهش‌هایی هم به "موضوعات امنیتی‌سازی شده" با رویکرد مصداقی و روایتی و نه مفهومی پرداخته‌اند. برای مثال نویسندگان مقاله‌ی "برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران" یکی از تحقیقات موردی یعنی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را ذیل نظریه امنیتی‌سازی منتشر کرده‌اند (Omidi and MoradiFar, 2014).

۲. پایه‌ی دوم نظری در این پژوهش، اختلاط و تغییر مفاهیم و چالش شناختی در سیاست خارجی، سیاست و به طور کلی تصمیم‌گیری است که ذیل روانشناسی سیاسی دسته‌بندی می‌شود. جرویس^۱ در کتاب "دولتمردان چگونه فکر می‌کنند"^۲ به تفصیل در مورد اشتباهاتی که سیاستمداران و تصمیم‌سازان سیاسی نوعاً به آنها مبتلا پیدا می‌کنند طرح موضوع کرده است و باورها، نظام ارزشی، احساسات، ارتباطات بین‌الذهانی و فهم‌ها و برداشت‌های متفاوت از واقعیت بیرونی را به عنوان زمینه‌ساز بسیاری از این اختلاط‌ها در مفاهیم اساسی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ذکر می‌کند (Jervis, 2020: 23-56).

کتاب "تحلیل سیاست خارجی"^۳ نوشته درک بیچ^۴ نیز به عنوان کتابی در باب فرآیندهای ایده‌آل و واقعی تصمیم‌سازی در سیاست خارجی به ابتلائات مربوط به تصمیم‌گیری در سیاست خارجی در سطوح فردی، دولتی و سیستمی پرداخته و شرح داده است که چرا و چگونه در اثر رقابت‌های فردی و سازمانی و یا محافظه‌کاری سازمانی و دیگر موارد، لاجرم موضوع سیاست‌سازی از محاسبه‌گرایی و عقلانیت صرف به معنای محاسبه‌ی هزینه و فایده منافع ملی فاصله می‌گیرد (Beach, 2012).

در عین حال و در راستای بررسی تحوّل مفهومی به اقتضای تاریخ، نویسندگان کتاب "تحوّل مفاهیم در روابط بین‌الملل" بررسی جامعی را انجام داده‌اند. در اثر مذکور هم خود تحوّل مفهومی در روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است (Moshirzadeh, 2017: 17-43) و هم مفاهیم متحوّل شده‌ای چون هژمونی، امنیت، قدرت، کنشگر، نظم تک‌قطبی، امپراتوری، امنیت بین‌المللی،

1. Robert Jervis

2. How Statesmen Think

3. Analyzing Foreign Policy

4. Derek Beach

ترورسیم، فرهنگ، هویت، دین و نیز مفاهیم اساسی در حقوق بین الملل نظیر حاکمیت، حقوق بشر و مداخله که به اقتضای زمان و تحولات بیرونی تغییر کرده اند.

همچنین نویسندگان پژوهش حاضر نیز در مقاله ای با نام "ایران و چالش شناختی در تنوع معنایی اتحاد راهبردی در روابط بین الملل"، به تحول مفاهیمی نظیر اتحاد، ائتلاف و غیره اهتمام کرده اند که مفهوماً و مصداقاً مقدمه ای بر این مقاله قلمداد می شود (Zarif and Karimi, 2023).

در موردی دیگر از پژوهش هایی که مرور آنها در ادبیات این مقاله موضوعیت دارد، آرش رئیسی-نژاد در مقاله ی "تنهایی استراتژیک تاریخی ایران و سیاست خارجی غیردولتی"، به سابقه ی احساس عدم امنیت به عنوان مؤلفه ای در سابقه تاریخی سیاسی ایرانیان پرداخته و ریشه های آن را واکاوی کرده است (Reisinejad, 2023: 288). این تنهایی، قهراً در زمینه سازی نوع نگاه سیاستمدار ایرانی به جهان پیرامون مؤثر بوده است.

نقطه ی دید رئالیستی و کلاسیک در پژوهش ها و نگاه های معمول جاری این معنا را در شرایط حاضر منجر به الزام و میل به بازدارندگی عمدتاً سخت و بیش از هر چیز نظامی، اقتصادی و سیاسی ارزیابی می کند (Ansarifard and Haji-Yousefi, 2023: 125). از همین رو در پژوهش حاضر تلاش می کنیم تا به تدقیق این نقطه ی دید و نمایاندن جنبه های مغفول امنیت که گاه از قضا به عکس خود بدل شده و منجر به امنیتی سازی می شود بپردازیم.

۳. سومین پایه، زمینه ی سیستمی موضوعیت پژوهش است. نظم جهانی در دوران نظامی مشخص و تثبیت یافته مانند نظم دوقطبی در دوران جنگ سرد، ابهام را لااقل در موضوعات مربوط به سطح سیستمی و همچنین دولتی از گرده ی پژوهش ها بر می دارد. اما در دوران پساجنگ سرد، در اصل اینکه نظم حاکم را چطور می توان دسته بندی و تبیین کرد نیز اختلاف نظر وجود دارد. اما در عین حال آنچه مسأله ی امنیتی سازی را بیش از هر زمان دیگر اقتضا کرده است همین محیط در حال گذار و حالا پساقطبی محیط جهانی است. این معنا در پژوهش های مختلفی قابل دسترسی هستند و به عنوان مقدمه ی تحقیق حاضر مورد مرور و ارجاع قرار گرفته اند. برای مثال در کتاب "دوران گذار روابط بین الملل در جهان پساجربی، نویسندگان به تفصیل وجوه پایان نظم تثبیت یافته ی غربی و نیز فضایی که بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به وجود

آمد را بررسی کرده‌اند. هنری کسینجر^۱ نیز در کتاب "نظم جهانی"^۲ به بررسی ابعاد مختلف و متحول نظم جهانی در دوران جدید پرداخته است که برای پژوهش حاضر مرور شده است.

۴. اینکه جهان چگونه شده است بیش از هر چیز بر تغییر رویکردهای ذی‌نفعان مؤثر است. هم آن نظم واقعی که در جهان بر آمده یا در حال برآمدن است و هم تصور دقیق یا نادقیقی که یک کنشگر از موضوع دارد به غایت بر تنظیم روابط او مؤثر است. مسأله‌ی امنیتی‌سازی بیش از هر چیز در دوران نظم جدید پساقطبی معنادار شده است: به خصوص دو نمونه‌ی اصلی مربوط به پژوهش حاضر این موضوع واضح‌تر است: پروژه‌ی امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران و از جمله پرونده‌ی هسته‌ای آن توسط اسرائیل از ابتدای دهه ۱۹۹۰ یعنی کوتاه‌زمانی پس از پایان نظم دوقطبی آغاز شد و در نمونه‌ی دوم، امنیتی‌سازی ایران، روسیه، چین و دیگران که عزم تازه‌ی ایالات متحده پس از گزارش بیکر-همیلتون^۳ در سال ۲۰۰۴ شد. به طوری که پس از جنگ دوم آمریکا در عراق به واسطه‌ی گزارشی که ذکر شد، کلان-استراتژی ایالات متحده به جای جنگ، بر امنیتی‌سازی قرار گرفت و این دقیقاً زمانی است که ایالات متحده توهم تک قطبی را کنار گذاشته و با جهان واقعی پساقطبی یا لاقبل به تعبیری در حال گذار مواجه شده است. چهارمین پایه‌ی تقاطعی که تحقیق حاضر در نقطه‌ی آن قرار دارد مرور تاریخی و تبارشناسانه‌ی موارد امنیتی‌سازی است که برای این منظور البته موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، مسأله فلسطین، مسأله هالوکاست^۴ و تبعات آن از جمله مواردی هستند که مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. برای این منظور ضمن استفاده از اسناد، کتاب "جامعه‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب برنامه و دیپلماسی هسته‌ای"^۵ نیز مطالعه شده است که ذیل آن به روش تحلیل گفتمان موضوع هسته‌ای ایران و دیپلماسی مربوط به آن طبع شده است.

آنچه می‌توان جنبه‌ی نوآورانه‌ی مقاله‌ی حاضر پنداشت، در کلان، تقاطع‌گیری از این چهار محور نظری است و به طور جزئی‌تر طرح همین نظم پساقطبی و ارتباط آن با پروژه‌ی امنیتی‌سازی و

1. Henry Kissinger

2. World Order

3. Baker-Hamilton (Baker and Hamilton, 2006)

4. Holocaust

به خصوص مورد ایران است. ضمن آنکه باید تا حد قابل توجهی مفهوم امنیتی سازی مورد نظر پژوهش حاضر را نسبت به آنچه در مکتب کپنهاگ گفته شده است جزئی کرد. امنیتی سازی در معنای مورد نظر این پژوهش به نوعی جنگی سازی نزدیک است؛ امنیتی سازی در معنای مورد نظر این پژوهش محدود به کنش گفتاری^۱ نیست بلکه شامل اقداماتی که نقش عنصر نظامی را افزایش دهد نیز می شود. ما در پژوهش خود کلمه ابداعی و برساخته‌ی "Securitization" را به منظور خود نزدیکتر از Securitization یافته‌ایم.

۳. چارچوب نظری

مفهوم امنیتی سازی بیش از همه در مکتب موسوم به مکتب کپنهاگ در روابط بین الملل مطرح شده است. مدعای اصلی این ابتدای نظری که بیشتر ذیل مکتب برسازی و پس‌اساختارگرایی دسته‌بندی می شود (Beach, 2012:91) این است که امنیتی سازی به عنوان یک کنش گفتاری^۲ با اولویت بخشی^۳ اراده گرایانه به موضوعی که مد نظر یک کنشگر (شامل فرد، دولت یا هر موجودیت دیگر کنشگر)، موضوع از سیاست ورزی عادی خارج شده و به صدر اولویت ها رفته و گویی همه چیز به آن منوط می شود. معرفی کردن یک موجودیت دیگر یا حتی رخداد به عنوان خطر یا بحران در محیط بین المللی البته می تواند اهدافی غیرمستقیم مانند تحت شعاع قراردادن موضوعات واقعی تر یا بالا بردن هزینه کنشگران موضوع امنیتی سازی نیز طرح ریزی شوند. در هر حال قائلین به امنیتی سازی آن را جانشین کنش های امنیتی قبلی می دانند.

با پایان دوران جنگ سرد و آنچه نظم دوقطبی در محیط بین المللی می شناختیم، شاخص های امنیت نیز دچار تحول اساسی شده اند و هر قدر به سمت جهانی "جهانی شده"^۴ و کمرنگ شدن انحصار دولت ها و تأثیر دولت های بزرگتر (نسبت به قبل) در معادلات قدرت می رویم، امنیت به معنای قبلی کمرنگ شده به مرور تحول معنایی پیدا می کند. معنای امنیت در دوران دوقطبی در یک نگاه کلی بیش از هر چیز متناسب با نهادهای نظامی، سرزمینی و جمعیتی قدرت و نیز

1. Speech Act

2. Speech Act

3. Prioritizing

4. A Globalized World

حراست و کنترل تبادل هر چیز در دو سوی یک مرز بود. با فروپاشی نظم سابق و تحوّل در نظام قدرت جهانی، معانی نیز متحوّل می‌شوند و مفهوم امنیت نیز از این شمار است. در جهان پسادوقطبی و پساجنگ سردی، چه آنطور که در دوره‌ی توهم لحظه‌ی تک‌قطبی^۱ شاهد بودیم، چه دوران گذار و چه اکنون که می‌توان آن را دوران پساقطبی قلمداد کرد، این مفهوم مرتّباً تغییر کرده و نسبت به آنچه پیشتر معنا می‌شده متفاوت بوده است. به مناسبت فضای دوقطبی حاکم بر جهان و رقابت میان این دو قطب که از جنس امنیتی بود، مناسبات بین‌المللی نیز وجه امنیتی متکی بر قدرت‌های سخت را بیشتر در خود داشت. این موضوع به قدری مؤثر بود که کشورهای بی‌طرف‌تر - مانند کشورهای جنبش غیرمتعهد^۲ که همه ایشان الزاماً، واقعاً و کاملاً بی‌طرف نبودند، ولی به هر حال در زمره‌ی متحدان رسمی ایالات متّحده و اتّحاد جماهیر شوروی نیز قرار نداشتند - و حتّی کشورهای همراه دو قطب نیز گاه تلاش می‌کردند در آن میدان نبرد دائمی تا حدّ ممکن خط انزوا پیش گرفته و خود را از آسیب‌های بالقوه در امان بدارند. به علاوه، اتّحادهای آن دوره نیز عموماً وجه امنیتی - نظامی جدی داشتند و این خود نشان از دست بالا بودن این وجه از قدرت و به خصوص معنای عمده‌ی امنیت یعنی امنیت نظامی و مرزی داشت. دوران جنگ سرد دوران مرزهای دیوار کشیده شده بود. در مقابل، آنچه امروز به رای عین می‌رسد بیشترین فاصله را با فضایی که تصویر شد دارد: بیشتر ائتلاف‌ها موضوعی و غالب همکاری‌ها دارای وجه پُررنگ‌تر اقتصادی، تجاری، تکنولوژیک و حتّی هنجاری و زیست محیطی هستند و این خود نشان از طبع متفاوت فضایی دارد که امروز تجربه می‌شود. اگر در دوران جنگ سرد میزان تسلیحات متعارف و حتّی غیرمتعارفی مانند سلاح هسته‌ای به تعبیر رئالیست‌ها، بزرگترین سبب‌ساز ثبات در نظم بین‌المللی و اصلی‌ترین مانع جنگ ابرقدرت‌ها تلقی می‌شد (Leffler and Westad, 2010)، امروز همکاری‌های ذکر شده و رقابت‌های میان ایشان بیشترین مؤلفه‌های ثبات محسوب می‌شوند. مسلّم است که ایالات متّحده به عنوان کشوری که

۱. منظور ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ میلادی است که به تعبیر پژوهشگران حاضر دوره واقعی‌تر آن ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ (گزارش بیکر - همیلتون) و تعبیر مناسب‌تر برای این دوره، توهم تک قطبی (Unipolar Illusion) است.

2. Non-Aligned Movement (NAM)

دارای مزیت نسبی با فاصله در بودجه نظامی، تکنولوژی‌های نظامی و کم و کیف تسلیحات هسته‌ای دانسته می‌شود، منافع خود را در گرایاندن هر چه بیشتر رقابت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی به سمت و سوی مذکور ببیند. اما واقعیت این است که هم به واسطه‌ی طبع دوران جدید، نهاده‌های قدرت، جغرافیای آن، کنشگران متنوعی که به محیط رقابت افزوده شده‌اند و غیره از یک‌سو، و هم به واسطه‌ی هوشمندی برخی از مهم‌ترین این کنشگران (مانند چین)، حوزه رقابت اصلی در روابط بین‌الملل امروز برخلاف دوران جنگ سرد دیگر بر رقابت‌های امنیتی نظامی متمرکز نیست (Zarif and et al, 2017: 98). لذا امنیت، معنای موسع‌تری یافته و از پوسته‌ی نظامی خود فراتر رفته است. این معنای جدید از امنیت که بیش از گذشته با تکنولوژی، اقتصاد، بازرگانی، مالیه و غیره منقح شده و مفهوم‌پردازی درخور می‌یابد. درک این تحول معنایی، علی‌الخصوص توسط حاکمانی با اذهان دولت-محور^۱ و به ویژه جنگ سردی با دشواری اساسی مواجه است. دولتمردان سنتی اولاً به واسطه عادت ذهنی، بیش از هر چیز استعداد تفسیر شرایط و حوزه رقابت‌ها را در موضوعاتی دارند که ابتکار عمل بیشتری نسبت به دیگران دارند و یکی از اصلی‌ترین ایشان حوزه امنیتی نظامی است. بنابراین هر ابهامی در سیاست دولت-محور، بدو^۲ و بدون اراده بر نگاهی دیگر، به سیاق امنیتی نظامی تفسیر می‌شود که بیشتر معنای درون-مرزی و سنتی از امنیت را متبادر می‌کند. با بروز بحران‌های امنیتی (نظیر آنچه در پدیده‌ی داعش نمایان شد) پرواضح است که امنیت نیز مانند بسیاری از دیگر موضوعات محیط بین‌المللی برخلاف تصور سنتی، طبعی فرامرزی دارد و مواجهه موفق با آن به سیاق سنتی ناممکن است بلکه هر ابتکاری در این باره وقتی موثر و موفق است که ذیل همکاری طرف‌های مختلف طراحی و اجرا شود. از همین‌روست که ائتلاف‌های سنتی نظیر پیمان ناتو^۲، سنتو^۳ و غیره که بیش از هر چیز طبع و خاستگاهی نظامی داشتند یا از بین رفته و یا به نحوی کم‌اثر شده‌اند که در لزوم ادامه آنها تردید وجود دارد (Kistersky, 1996: 14). این پیمان‌ها تنها تکرار و تکثیر نمی‌شوند بلکه جای

1.State-Oriented Minds

2.North Atlantic Treaty Organization (NATO) – 1949

3.Central Treaty Organization (CENTO) – 1955

خود را اولاً به ائتلاف‌های موقعی و موضوعی داده‌اند و دوم گروه‌های همکاری که به جای بُعد امنیتی نظامی، بیشتر بر اقتصاد، بازرگانی^۱، محیط‌زیست^۲ و غیره تمرکز دارند. این تغییر نشان از تغییر در اولویت‌بندی کشورها و نیز تحول مفهوم امنیت دارد که به معنای نظامی آن دیگر اولویت نخست فهرست کشورها را به خود اختصاص نمی‌دهد.

بنابراین در معنای جدید، می‌توان گفت امنیت بیش از پیش از انحصار و حتی تسلط فضای نظامی‌گرایی خارج شده و به حوزه‌های دیگر گسترش پیدا کرده است. امنیت یک کشور در گرو همه موضوعات منبعث از عناصر قدرت ملی است. بنابراین امنیت محیط‌زیست، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت سرزمینی و غیره ترکیب‌های وزنی واجد معنا هستند. در عین حال تلاش‌های کلاسیک برای "امنیتی‌کردن" همه این حوزه‌ها همان چیزی است که به تواتر با اولی خلط می‌شود: اقتصاد امنیتی، محیط‌زیست امنیتی، سیاست امنیتی و نهایتاً سرزمین امنیتی مصادیقی هستند بر آنکه تسری فضای امنیتی و سیاسی انتقال بیفتد. این گونه تلاش‌ها عمدتاً از دو سری کنشگران دیده می‌شوند: کنشگران درون سرزمینی که در پی گسترش نفوذ خود به حوزه‌های مختلف حاکمیتی و ملی هستند و بنابراین تلاش می‌کنند نگاه مذکور را تثبیت کنند و در حوزه بین‌المللی که کنشگران متبوع آن تلاش می‌کنند تا با امنیتی کردن یک حوزه سرزمینی، یک دولت، یک شرکت بین‌المللی، یک تکنولوژی یا غیره یا آن را به اولویت آورند و یا موضوعی دیگر را از اولویت ساقط نمایند (Buzan and et al, 2021: 16-26). باید توجه کرد که مطالعه‌ی نسبت رویکردهای پرهزینه و اولویت قرار گرفتن موضوعات امنیتی‌شده چه نسبتی با وجوه معنایی قدرت، به خصوص انسجام و هویت ملی دارند و بنابراین امنیتی‌سازی یک موضوع تا چه اندازه می‌تواند نهاده‌های دیگر قدرت را از دست کشور مقصد بگیرد (Binaeian and et al, 2023: 30). در ادبیات روابط بین‌الملل، اولین معنایی که از امنیتی‌سازی ذکر می‌شود، اولویت‌بخشی به امری است که موضوع مورد علاقه است. برکشیدن یک موضوع که احیاناً به واسطه علاقه، خاستگاه،

۱. مانند NAFTA، ASEAN، Mercosur، AfCFTA و CPTPP.

۲. مانند توافق آب و هوایی پاریس منعقد در سال ۲۰۱۵ م.

جهانبینی، منافع یا هر شکل دیگری از وابستگی، مورد توجه خاص یک شخص، گروه یا دولت است به معنای خارج کردن آن از فهرست سیاست‌ورزی عادی و بنابراین اختصاص منابع مختلف به مثابه امری در اولویت نیازمند تهیّه و ارائه استدلال در خور است. هر قدر محیط کنشگری متکثّرتر باشد این اقتضای ساخت و ارائه‌ی استدلال و گفتمان متناسب، بیشتر رخ می‌نماید. تکثر در جامعه چندحزبی و به طریق اولی دموکراتیک، فضای شفاف و غیره بیش از جوامعی است که دارای یک اراده واحد قاهر هستند و طبعاً آن قدرت مستولی نیاز چندانی به قانع کردن دیگران احساس نمی‌کند.

محیط بین‌المللی نیز به واسطه وصف اصلی‌اش یعنی اقتدارگریزی هر چند تالّوویی از ارزش‌های دموکراتیک را نمایندگی نمی‌کند اما واجد تکثّر است. چرا که اراده‌های متعدّدی که اعضای اصلی کنشگر در این فضا هستند الزاماً در یک راستا قرار ندارند و تنظیم این توالی از اراده‌ها نیازمند صرف انرژی است. از این رو طرح موضوع به سبک مورد نظر یک دولت در محیط بین‌المللی به طوری که پرداختن به آن بیرون از روال طبیعی و به صورتی استثنایی باشد همواره به صورت یک پروژه آگاهانه و طرح‌ریزی شده وقوع می‌یابد.

به جز مفهوم امنیت که خود به قسمی که گفته شد دچار تحوّل اساسی شده است و امروز از آن معنای دیگری نسبت به گذشته استفاده می‌شود، امنیتی‌سازی نیز آن امری است که گرچه دلالت دقیق و واقعی به امنیت ندارد اما انطباق غیر موجه این دو گاه در سیاست مرسوم می‌شود.

در یک معنا، امنیتی‌سازی یک موضوع یا یک موجودیت که می‌تواند یک خانواده، یک شرکت، یک کشور یا هر موجودیت واجد هویت مستقل و متعین دیگری باشد، همان‌طور که گفته شد بدواً به معنای عمده کردن ملاحظات امنیتی است که در نتیجه موجب پرهزینه کردن تراکنش با آن می‌شود به صورتی که در بسیاری محاسبات هزینه-فایده، حتی از سوی بی‌طرف‌ترین کنشگران، تعامل با موجودیت موردنظر فاقد توجیه عقلانی به نظر برسد و در نتیجه انزوایی طاقت‌فرسا بر او تحمیل شود. این امر در مورد کشورها بیش از هر موجودیت دیگری آشنا و معنادار است. ملاحظات مذکور نوعاً می‌توانند از جنس نظامی یا تحریمی (با وجوه حقوقی،

سیاسی، اقتصادی یا تجاری) باشند. کشاندن رقابت‌ها به این سمت بیش از هر کس طبیعتاً به سود کسانی است که توان و برتری نسبی خود را در این حوزه می‌بینند. به طور کلی، امنیتی‌سازی وقتی اهمیت نظری پیدا می‌کند که اهمیت روایت، مفروض باشد. آنچه گفته می‌شود، همانطور که آمد سابقاً اهمیت چندانی را در ادبیات روابط بین‌الملل به خود اختصاص نمی‌داد اما امروز به جز استعدادهای نظامی و غیره که ابعاد سنتی قدرت هستند، روایت و کنش گفتاری اهمیت قابل ملاحظه و حتی در بسیاری موارد پرتأثیرتری را از خود نشان می‌دهد (Rezaei and et al, 2023: 15). بن‌مایه‌ی نظری این برآمدن تأثیر کنش گفتاری^۱ و به طور کلی آنچه که به عنوان امر واقع شناخته می‌شود از آنجا سرچشمه می‌گیرد که واقعیت بیرونی، در ابعاد متنوع خود توسط سوژه یعنی همان انسان برساخته می‌شود و این امر که از میراث دوران روشنگری در فلسفه است، دو ویژگی دارد: اولاً انسان را ابتدای اصلی هرگونه کنشگری قرار می‌دهد و ثانیاً محوریت ادراک، تصویر و روایت را مفروض می‌دارد.

۴. روش پژوهش: تبارشناسی^۲

اگر مقدمتاً چهار روش تحقیق اصلی یعنی تحلیلی^۳، دیالکتیک^۴، هرمنوتیک^۵ و پدیدارشناسی^۶ را در نظر آوریم، آنچه روش تحقیق تبارشناسی قلمداد می‌شود بیش از همه ذیل پدیدارشناسی قرار می‌گیرد. در پژوهش تبارشناسانه که بیش از همه توسط میشل فوکو^۷ در کتاب تاریخ جنون^۸ و فردریش نیچه^۹ در کتاب تبارشناسی اخلاق^{۱۰} به کار گرفته و به عنوان روش پژوهش تثبیت شد، پدیدار مورد مطالعه در مرکز قرار گرفته و پژوهشگر مانند چشم یا دوربین، به موازات سیر در طول زمان، ابعاد پدیدار را مشکوف می‌کند. ضمن آنکه تبارشناسی اگر چه از سنخ پدیدارشناسی

1. Speech Act
2. Genealogy
3. Analytic
4. Dialectic
5. Hermeneutic
6. Phenomenology
7. Michel Foucault
8. Folie et Dérison: Histoire de la Folie à L'âge Classique
9. Friedrich Nietzsche
9. Zur Genealogie der Moral: Eine Streitschrift

به سان آنچه هوسرل^۱ پایه گذاشت است اما به واسطه وجه زمان مندی اش چیزی فراتر از آن دارد. در پژوهش حاضر امنیتی سازی، پدیدار اصلی و ضمناً ایران به عنوان عنصر تکمیلی این پدیدار مورد توجه قرار دارند. بنابراین اگر تکرار یک الگو به همراه سیر در زمان خواننده را در بزنگاه‌هایی متعجب کند، از نظر روشی دور از انتظار نیست.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. تبارشناسی امنیتی سازی

ایالات متحده در این خصوص عمده‌ترین کنشگری است که تمایل دارد مزیت نسبی خود در تسلیحات و توان تحریمی را تبدیل به حوزه اصلی رقابت کرده و بنابراین بتواند به تضعیف رقبا و معارضان خود اهتمام کند. این روش به خصوص در دوران پساجنگ سرد بیش از پیش مورد استفاده قرار گرفت.

برای نمونه می‌توان به رویکرد ایالات متحده آمریکا در خصوص چین اشاره کرد. در دوران حاضر که چین مهم‌ترین کشور در حال بر آمدن است، تلاش ایالات متحده در رویارویی با آن به سنجی است که بتواند برتری نسبی خود را در حوزه‌های نظامی حفظ کند و نیز به موضوع رقابت تبدیل نماید. اما چین مکرراً تلاش کرده است تا از افتادن در چنین تله‌هایی خودداری کند.

- نمونه ملموس این معنا ورود کشتی‌های ایالات متحده به آب‌های سرزمینی چین است که بر خلاف انتظار آمریکا چین با نشان دادن واکنش‌های حداقلی لازم مطلوب ایالات متحده را انجام نداده و خنثی ساخته است (Gao, 2023).
- در مثالی دیگر، حرکت حساسیت برانگیز رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده^۲ در سفر به تایوان^۳ است که هواپیمای او توسط جت‌های جنگنده ارتش آمریکا حفاظت هوایی می‌شدند. آرایشی چنین بر روی مسأله‌ای که اولاً مسبوق به سابقه و ثانیاً موضوعی سرزمینی و مربوط به

1. Edmund Husserl

2. Nancy Pelosi

۳. در دوم آگوست ۲۰۲۲

تمامیت ارضی چین است، انتخابی حداکثری و پرمایه از سوی ایالات متحده بود که در بالاترین سطح و با آرایشی نظامی نیز اجرا شد. بنابراین می‌توان حدس زد که چنین کنشی به منظور وادار کردن چین به اتخاذ مواضع و احیاناً دست زدن به واکنشی است که مورد دلخواه رقیب است. نگاه به واکنش چین به موضوع که علی‌رغم اتخاذ مواضع متناسب در حوزه‌ی رسمی برخلاف توصیه‌ها و تحلیل‌ها به واکنش نظامی نیفتاد نشان از این معنا داشت که چین حوزه رقابت خود را تعریف کرده است و آگاهانه از افتادن در تله‌های پیش‌پا در حوزه امنیتی‌سازی حذر می‌کند (China Reacts Fiercely to Pelosi's Taiwan Visit, 2022).

- در نمونه‌ای دیگر، به هنگام کشف بالون چینی در آسمان ایالات متحده^۱، هر قدر ایالات متحده تلاش کرد با افزایش سطح واکنش سطح موضوع را به آستانه امنیتی-نظامی نزدیک کند (از آن جمله انهدام بالون به وسیله چند هواپیمای جنگنده ارتش آمریکا بود)، چین با عادی سازی مسأله و اعلام اینکه بالون مربوط به تحقیقات هواشناسی بوده و خطای تکنولوژیک باعث انحراف آن شده است، از ارتقا سطح تنش‌های احتمالی بکاهد (Lee, 2023).
- تلاش‌های ایالات متحده در امنیتی‌سازی و سوق دادن موضوعات مورد علاقه خود به صدر توجهات و پهن کردن دام‌هایی از سنخ نظامی و امنیتی همواره بی‌توفیق نبوده است. یکی از آخرین آنها سوق دادن روسیه به سوی حمله به اوکراین بود که در آستانه‌ی حملات از لابه‌لای موضع‌گیری‌های ایالات متحده^۲ مبنی بر عدم دخالت مستقیم در صورت حمله روسیه مشخص است. به سخن دیگر می‌توان گفت که روسیه در فقره‌ی اوکراین در همان دامی افتاد که چین در مورد تایوان از آن پرهیز کرد.
- نمونه‌ی دیگر در امنیتی‌سازی توسط ایالات متحده مورد جمهوری اسلامی ایران است. موضوعاتی نظیر حقوق بشر، انرژی هسته‌ای، فعالیت موشکی و حضور منطقه‌ای، مهم‌ترین بهانه‌های ایالات متحده برای در رأس امور قرار دادن جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. به واسطه‌ی تعارض منافع تعریف شده و مفروض میان طرفین و نیز به سبب خصومت و رقابت با دو متحد

منطقه‌ای آمریکا - یعنی اسرائیل و عربستان سعودی -، اولویت ایالات متحده در بُره‌های مختلف بر امنیتی سازی شدن و به بیان دیگر عادی نشدن ایران و رابطه با آن در حوزه‌های مختلف بوده است که با تمام فراز و نشیب‌هایش ادامه داشته است. این سیاست البته بیش از ایالات متحده توسط رژیم اسرائیل در حال پیگیری بوده است.

به نظر می‌رسد با عبور از توهم تک قطبی در نظم بین‌المللی، ایالات متحده اولویت رقابت خود را در محیط بین‌المللی نه جنگ و امنیت، که امنیتی سازی رقبا قرار داده است. این در حالی است که در دوران توهم تک قطبی که به واسطه‌ی فروپاشی نظم دو قطبی در محیط بین‌المللی تلاش ایالات متحده آن بود تا خود را به عنوان تک قطب معرفی و تثبیت نماید تقریباً به طور سالانه و مدام ایالات متحده تلاش می‌کرد تا با جنگ افروزی از مزیت قطعی خود در میان دولت‌ها بهره‌برداری کند. به عنوان نمونه می‌توان به حمله به عراق^۱، سومالی^۲، کوزوو^۳، بوسنی^۴، افغانستان^۵ و دوباره عراق^۶ را می‌توان تلاش‌های آمریکا برای نهادینه کردن یک "جهان آمریکایی" برشمرد. اسرائیل برای توجیه رفتارهای خود و نیز خارج کردن مسأله فلسطین از اولویت و کانون توجهات نیاز به بحران و دشمنی دارد که مرتباً به آن ارجاع دهد به خصوص با تلطیفی که در اثر آغاز گفتگوها با اعراب و فلسطینیان در مادرید^۷ و اسلو^۸ به چشم می‌خورد روند امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ۱۹۹۱-۱۹۹۰

۲. ۱۹۹۵-۱۹۹۲

۳. ۱۹۹۹-۱۹۹۸

۴. ۱۹۹۶-۱۹۹۵

۵. ۲۰۰۱

۶. ۲۰۰۳

۷. ۱۹۹۱

۸. ۱۹۹۳

فارغ از میزان خطری که بر اساس عناصر واقعی سخت و نرم قدرت از طرف جمهوری اسلامی ایران برای اسرائیل تهدید بالقوه به شمار می‌رود و نیز فارغ از میزان تهدید واقعی که این رژیم از سوی ایران احساس و دریافت می‌کند، امنیتی‌سازی موضوع ایران، یعنی خطر جلوه دادن و افزایش تهدید نمایی ایران - نه صرفاً برای اسرائیل بلکه برای صلح، منطقه و جهان - خود چتری امنیتی برای این رژیم ایجاد می‌کند که ذیل آن، آستانه‌ی تحمل اعمال ضد فلسطینی، ضد حقوق بشر و ضد صلح این رژیم در محیط بین‌المللی بالا می‌رود. امنیتی کردن ایران توسط اسرائیل هر چند در نگاهی سطحی ممکن است به ترس از ایران شبیه بوده و تعبیر شود اما واقعیت این است که اگر به تبار این گونه ابراز موضع‌ها بپردازیم، بیش از نگرانی اسرائیل نشان از طراحی سیاستی برای ارتقای تصور تهدید امنیتی نظامی جهان توسط ایران دارد که فارغ از فشارهایی که احیاناً به واسطه تهدید و تحریم متوجه ایران می‌کند، در گام نهایی و به جز آنچه به طور انضمامی وجود دارد ایران را امنیتی‌سازی کرده و هزینه‌های افزونتری را پیرامون هرگونه نزدیک شدن به ایران در حوزه‌های مختلف - به خصوص آنچه امروز موضوع رقابت و اتفاقاً به بیان جدیدتر، امنیت‌زاست، یعنی اقتصاد، صنعت، سرمایه‌گذاری و بازرگانی - بازنمایی می‌کند. به عنوان نمونه‌ی اول، نقطه آغاز تلاش اسرائیل برای جانشینی مسئله فلسطین با "تهدید ایران" به کنفرانس مادرید باز می‌گردد که ذیل آن، دولت اسرائیل تلاش خود را برای جایگزین ساختن ایران بجای اعراب به عنوان تهدید امنیتی در داخل اسرائیل متمرکز ساخت. اگر چه عموماً تصور می‌شود مسئله‌ی هسته‌ای ایران از آگوست ۲۰۰۲ آغاز شده است، اما تلاش برای امنیتی‌سازی ایران از طریق پرونده‌ی هسته‌ای، به اولین موضع‌گیری مقامات ارشد اسرائیلی در خصوص برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که در آن زمان و سال‌ها پس از آن هم به غایت محدود بود بر می‌گردد. بنیامین نتانیاهو برای اولین بار در ۱۹۹۲ در کنست^۲، ایران را دارای فاصله‌ی اندک تا

۱. کنفرانس خبری سازمان مجاهدین خلق در آگوست ۲۰۰۲

بمب هسته‌ای بر شمرد و این امر بعداً در ۱۹۹۵، ۱۹۹۶، ۲۰۰۲، ۲۰۰۹، ۲۰۱۲ تکرار شده و تا امروز ادامه داشته است (Cooper, 2015). طبعاً مقصود از طرح چنین موضوعی، پیگیری تحمیل نوعی انزوا به ایران و بیش از آن تبدیل شدن ایران به اولویت و مسأله اول امنیتی در منطقه خاورمیانه بوده است. بنابراین مسأله هسته‌ای ایران را شاید بتوان گفت یکی از طولانی‌ترین موضوعاتی در سیاست خارجی دانست که از کنش امنیتی سازی متأثر شده است. به طوری که هنوز هم مهم‌ترین ابزار برای در حاشیه قرار دادن مسأله فلسطین، طرح مسأله ایران، و مهم‌ترین راهکار برای این کار امنیتی سازی ایران به خصوص از طریق برنامه هسته‌ای است. به سادگی می‌توان استدلال کرد که هر گاه موضوع نگرانی اسرائیل واقعاً مسأله‌ای امنیتی و احساس تهدید موجودیتی به جهت وجود برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود، این رژیم می‌بایست بیشترین رضایت را از برجام اعلام می‌داشت. چرا که این توافق با لحاظ کردن سطح قابل توجهی از نظارت‌ها بر تأسیسات هسته‌ای، به اذعان مقامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و گزارش‌های مدیرکل این نهاد بین‌المللی و نیز مقامات ارشد آمریکایی لاقل هرگونه شبیه‌ای را در خصوص صلح‌آمیز بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران لاقل برای ۱۵ سال از میان برمی‌داشت. اما مخالفت عریان و حداکثری رژیم و مقامات اسرائیل با توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، نشان از آن داشت که اتفاقاً برنامه‌ی هسته‌ای ایران موجب ایجاد هراس واقعی از جنس امنیتی و نظامی در تلاویو نشده است و آنچه مورد نیاز مقامات اسرائیل بوده نه اطمینان از صلح‌آمیز بودن این برنامه بلکه از قضا امکان طرح مسأله به گونه‌ای است که امکان تهدیدانگاری، اولویت‌دهی و امنیتی سازی آن به سادگی

۱. در کتاب Fighting Terrorism

۲. در کنگره آمریکا

۳. در کنگره آمریکا

۴. پیش از انتخاب به عنوان نخست وزیر در ملاقات اعضای کنگره، فاش شده توسط ویکی لیکس

۵. در مقام نخست وزیر در ملاقات با مقام‌های آمریکایی به روایت ویکی لیکس

۶. در سخنرانی مجمع عمومی ملل متحد

فراهم باشد. حال آنکه آنچه در گفتمان مقامات اسرائیل در خصوص برنامه هسته‌ای ایران مطرح بود، تهدید فوری حیاتی امنیتی^۱ بود. ۶۵،۴۳،۲

- در کنار موضوع هسته‌ای، تلاش راهبردی اسرائیل مرتباً در راستای امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران به انحاء دیگر هم وجوه عریان این سابقه است. آریل شارون^۷ در سفر خود به واشنگتن در فوریه سال ۲۰۰۲ تلاش کرد تا توجه ایالات متحده را به جای عراق، به حمله نظامی به تهران جلب کند و پیش از آن ایران را به عنوان تهدید اصلی علیه صلح و امنیت منطقه معرفی کند.^۸ بنابراین اعلام خطرهای متواتر اسرائیل به منظور امنیتی‌سازی و نه امنیتی و برای نگران کردن است نه از سر نگرانی: دو مفهومی که به واسطه‌ی امکان اشکال شناختی در سیاست می‌بایست نسبت به خلط آنها حساس بود. طرح مسأله هولوکاست توسط محمود احمدی‌نژاد (Vick, 2005) در ابتدای دوره ریاست جمهوری ایشان، البته یکی از مهم‌ترین دستاویزهایی است که به واسطه‌ی آن به تواتر و تکرار تلاش شد که ایران به غایت واجد و مسئول یهودی‌ستیزی و بنابراین متولی پرداخت هزینه‌های مترتب بر آن معرفی شود. واقعیت این است که ورود ایران به شورای امنیت ملل متحد در ابتدا نه به واسطه‌ی موضوع هسته‌ای بلکه به علت و در پی اظهارات رئیس‌جمهوری وقت اتفاق افتاده و منجر به صدور دو بیانیه

1. Imminent Existential Security Threat.

2. Gross, J. (n.d.). Would a nuclear Iran truly pose an existential threat to Israel? The Times of Israel. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com>

3. The Times of Israel Staff. (n.d.). Israel is acting against Iranian 'existential threat,' Gantz tells BBC Persian. The Times of Israel. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com>

4. Toosi, N; Bertrand, N. (2021). Iran, U.S. signal nuclear talks will resume despite alleged Israeli attack. POLITICO. Retrieved from <https://www.politico.com>

5. JPost Editorial. (n.d.). Is a nuclear Iran an existential threat? The Jerusalem Post. Retrieved from <https://www.jpost.com>

6. Reuters. (2023). Israel no closer to attack on Iran nuclear sites, official says. Yahoo News. Retrieved from <https://news.yahoo.com>

7. Ariel Sharon

8. Greenberg, J. (2002). Israel emphasizes Iranian threat. The Washington Post. Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/archive/politics/2002/02/07/israel-emphasizes-iranian-threat/b033ec97-9ad4-4ed2-8b2c-c13e3dc823f0/>

توسط آن شورا شد.^۱ این نیز خود مصداقی از امنیتی سازی ایران است و این بار به بهانه ای که از جانب مقامی رسمی ایجاد شده بود.

- به عنوان نمونه ی دیگری از تبارشناسی امنیتی سازی توسط اسرائیل، می توان از ایران فراتر و در زمان پیش تر رفت و به امنیتی سازی اعراب توسط این رژیم اشاره کرد. به خصوص پس از جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۶۷، اسرائیل نه تنها به امنیتی سازی فلسطینی ها بلکه به امنیتی سازی اعراب دست زد و مبنای سیاست ورزی خود را در منطقه بر اساس اظهار احساس ناامنی مدام از جانب اعراب و در نتیجه بر ساخت خطر از اعراب قرار داد (Del Sarto, 2021: 761). برای این منظور اسرائیل تلاش می کند همواره خود را در معرض خطری بر ساخت شده^۲ از جانب قوم عرب معرفی کند (Del Sarto, 2021: 764). تا پیش از دور جدید امنیتی سازی اسرائیل که این بار بیش از هر وقت متوجه جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب و پس از جنگ بود، اعراب نقش اصلی را در مظلوم نمایی و خود قربانی انگاری اسرائیل داشتند که در کنار تصویر شکست ناپذیری یکی از دو پایه اصلی در گفتمان برساختی اسرائیل در منطقه و جهان است (Mousa, 2018; Mousa, 2021).

- اگر باز هم بخواهیم در سیر زمان و روش تبارشناسانه پژوهش حاضر به عقب برویم، امنیتی سازی اسرائیل در ابتدا و به واسطه وقایعی که ضمن جنگ جهانی دوم در اروپا بر ضد یهودیان اتفاق افتاده بود، بر ضد اروپاییان و به ویژه آلمانی ها بود. آنچه در توافق لوگزامبورگ در سپتامبر ۱۹۵۲ به دست آمد، اولین برساخته اسرائیل پس از جنگ دوم بود که می توان گفت آغاز حیات این رژیم را رقم زده و با امنیتی سازی پیوند زد.

۱. بیانیه های شورای امنیت ملل متحد به تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۰۵ و ۹ دسامبر ۲۰۰۵ م.

۵-۲. امنیتی‌سازی ایران؛ بهره‌های کشورها و بازیگران

بنا بر بحث‌های گفته شده می‌توان گفت امنیتی‌سازی ایران توسط اسرائیل که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ آغاز شده و از سال ۲۰۰۲ با دمیدن بی‌وقفه در تنور برساخت موضوع هسته‌ای به اوج رسیده است، در سه سطح برای رژیم اسرائیل سودمند است: اول آنکه اسرائیل با این بازی امنیتی‌سازی به سان هر آنچه قبلاً کرده است، تصویر خود را به عنوان "مظلوم و موجودیتی تحت تهدیدهای اساسی و وجودی" به جهان و به ویژه غرب معرفی کرده و پشتیبانی‌های معتنا به مورد نظر خود را در حوزه‌های مختلف مادی، سیاسی و حقوقی از ایشان دریافت می‌دارد.

در لایه‌ی بعدی، جلب توجه‌ها به موضوع ایران، به عنوان یک تهدید علیه خود و به خصوص علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و حتی بین‌المللی، موضوع اشغالگری و تبعات آن را که مسأله اصلی خاورمیانه و جهان در هفتاد سال گذشته بوده است از کانون توجهات خارج کرده و مستهلک می‌کند.

در لایه‌ی سوم، موضوع اساساً فراتر از جمهوری اسلامی و دیدگاه‌های ایدئولوژیک است. موجودیت رژیم اسرائیل در مواجهه با کشور ایران که در هر شرایطی و با هر محاسبه‌ای در کنار ترکیه و عربستان سعودی یکی از قدرت‌های عمده‌ی منطقه است، آن را ضعیف می‌خواهد. نگاه مقایسه‌ای به مساحت، جمعیت و دیگر بضاعت‌های مادی در کنار عناصر قدرت معنایی که بحث شد نشان می‌دهد اسرائیل همواره باید تلاش کند تا هر سه قدرت منطقه را تضعیف کند. سابقاً این امکان بیشتر متوجه اعراب بود و امروز ایران با توجه به مسائل بین‌المللی خود، بیشترین موضوعیت را دارد.

موضوعات اصلی پیرامون ایران که مورد اشاره قرار گرفتند، می‌توان از نقاط عزیمت مختلف نظری و نیز در سطوح مختلف تحلیل نگاه کرد. اگر سطح سیستمی را مد نظر قرار دهیم، موضوع در صدر این است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جنگ سرد، محیط بین‌الملل در حالت گذار قرار گرفت (Zarif and et al, 2017:78) و بلوک‌بندی دوقطبی قبلی جای خود را به خودیاری دولت‌ها داده است (Simbor and et al, 2017:88). بنابراین می‌توان انتظار داشت که

بیش از هر زمان در دوران معاصر قدرت منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران به توسعه برنامه‌های خودبسنده‌ای اقدام کند که دولت‌های خود هژمون پندار مانند ایالات متحده را به واکنش وادار کند. لااقل از زمانی که بارقه‌های جدی در محیط سیاست ایالات متحده مبنی بر جهانی غیرتک‌قطبی بارز شد، یعنی از زمان انتشار گزارش بیکر-همیلتون^۱، ایالات متحده همواره تلاش کرده است از ورود خود به جنگ جلوگیری کرده و به جای آن به کنش‌های گفتاری^۲ بر ضد رقبای خرد و کلان سیاست‌های خود روی آورد که بیشترین بروزهای آن مورد اشاره قرار گرفتند. در دوران گذار و به طریق اولی دوره پساقطبی در روابط بین‌الملل از آنجا که دولت‌ها در فضایی غیرقطبی به سر می‌برند، حتی دیگر دولت‌هایی که به ظاهر مواضع نسبتاً همسوتری با یکدیگر دارند نیز در بسیاری موارد نسبت به تقویت دیگری حساسیت نشان می‌دهند. نمونه‌ی قابل اشاره‌ی آن مواضع جمهوری فدراسیون روسیه در اواخر مذاکرات منتج به برجام است (Zarif and Karimi, 2023:480). مشاهده‌ی این دوره و به ویژه اقدام روسیه در همراهی با فرانسه برای تحمیل متنی مشخص به ایران برای الزام به رای‌گیری دوره‌ای در شورای امنیت ملل متحد، حاکی از آن است که این کشور نیز که در مواضع اعلامی خود در همراهی با جمهوری اسلامی ایران، در بزنگاهی تعیین‌کننده در پی آن است که اهرم اعمال قدرت خود را در محیط بین‌المللی واجد اهمیت بیشتر کند ولو آنکه این اقدام به مانع یا چالشی بر سر راه ایران بدل شود. بدیهی است که با مقایسه‌ی عناصر قدرت مادی و معنایی می‌توان به سادگی به این نقطه رسید که یکی از مهم‌ترین ابزارهای روسیه در اعمال نظر در محیط بین‌المللی، عضویت دائم در شورای امنیت ملل متحد و حق وتو است. نیم نگاهی به دیگر عناصر قدرت مانند قدرت اقتصادی، قدرت نظامی غیرهسته‌ای و قدرت هنجارسازی مبین آن است که قدرت روسیه در داخل شورای امنیت به غایت بیش از بیرون از آن است. بنابراین هر چند ممکن است موضع روسیه و حتی خواست واقعی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران از جنس سیاست‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی نباشد اما به هر حال به واسطه وضعیت غیرقطبی محیط بین‌المللی و بنابراین

1. Baker, J; Hamilton, L. (2006). The Iraq Study Group Report. Vintage books.

2. Speech Act

چالش نداشتن متحدان قطبیده‌ی سنتی، روسیه نیز نیرومند شدن جمهوری اسلامی ایران و عادی شدن روابط این کشور را به منفعت خود قلمداد نکرده و بنابراین در موارد قابل توجهی کنشگری خود را در مقابل مواردی نظیر امنیتی‌سازی ایران توسط ایالات متحده قرار نمی‌دهد.

اما در عین حال می‌توان ارزیابی را در سطح تحلیل کارگزار قرار داد و به چالش‌هایی نگاه کرد که احیاناً روانشناسی تصمیم‌گیران به وجود می‌آورند. از جمله در موضوعات شناختی، برای سیاستمدارانی که به اعتبار انسان بودن، بالقوه مبتلا به حفره‌ها و سیاه‌چاله‌های شناختی و ادراکی هستند (Zarif and Karimi; 2023: 458-462) خلط مفهوم امنیتی و امنیتی‌سازی، یا نگرانی یا نگرانی‌زایی از مهم‌ترین و پرهزینه‌ترین این اشکالات بوده‌اند. باور به اینکه آنچه ایالات متحده یا رژیم اسرائیل مبنی بر ایران به مثابه تهدید در حوزه‌های مختلف بیان می‌کنند از سنخ نگرانی واقعی امنیتی است، در واقع نوعی واکنش مورد انتظار همین بازی امنیتی‌سازی است.

همان‌طور که گفته شد ورود به درگیری نظامی در دوران پساقطبی در محیط بین‌المللی مطلوبیت خود را از دست داده است و لاقطل در اولویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده به نظر نمی‌رسد. بلکه ورود به فاز امنیتی‌سازی کم‌هزینه‌تر و پرفایده‌تر به نظر می‌رسد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت جنگ به عنوان یک ابزار سیاست خارجی هر روز بیشتر کارکرد خود را از دست می‌دهد و این پرهزینه‌ترین ابزار سیاست خارجی هر روز کم‌فایده‌تر می‌شود. بنابراین انتخاب آن در شرایطی که امکان هژمون شدن و تبدیل به قطب شدن در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای بسیار دور از ذهن است، جای خود را به انتخاب‌های هوشمندانه‌تر داده است.

اما انواع مختلفی از آسیب‌های سیاست‌گذاری می‌تواند نظام تصمیم‌سازی را در درک چنین فضایی مختل کند: نظام تصمیم‌سازی به طور کلی علی‌رغم آنچه مورد علاقه سیاستمداران است، عقلانی صرف نیست و نمی‌توان آن را به صورت یک مدل کنش عقلانی^۱ (صرف) در نظر گرفت. سیاست سازمانی^۲، رقابت میان سازمان‌ها، سیاست اداری^۳، آنچه در تحلیل سیاست به گروه

فکری^۱ نامگذاری شده و نیز مسائل هویتی شخصی یا جمعی و نیز تاریخی، نوعاً مانع از دریافت دقیق و بدون تفکیک داده از محیط شده و بنابراین گاه ممکن است وزن دهی داده‌ها و ادراک ناشی از آن‌ها را به سمت الگوهای فاقد موضوعیت یا با موضوعیت کمتر ببرند. این معنا زمینه را برای خلط دو مبحث امنیتی و امنیتی سازی فراهم کرده و سیاست ساز را بالقوه به راهی هدایت می‌کند که سیاست‌ها و پاسخ‌های خود را نه متناسب با بازی امنیتی سازی و تهدید انگاری طرف مقابل، بلکه متناسب با یک موضوع امنیتی واقعی قلمداد کرده و بنابراین حتی در مواقعی ناخواسته برای آتش تهیه شده توسط طرف مقابل، خوراک فراهم می‌شود (Beach, 2012: 98).

در این میان، بازاندیشی درباره‌ی آنچه در دوران پس از جنگ سرد بر سر راه جمهوری اسلامی ایران هموار شده است نوعی از امنیتی سازی توسط خصم‌هایی را القا می‌کند که در آن تلاش برای عمده کردن قدرت و نقش مؤلفه‌ی نظامی هم گنجانده شده است. در ابتدا این معرفی کردن ایران به عنوان خطر منحصر به اسرائیل بود ولی به تدریج ایالات متحده و حتی بخش عمده‌ای از اروپا در مقاطع زمانی مختلفی با روایت فوق هم‌راستا شدند. در عین حال، در جهان در حال گذار و پس از آن دوران پساقطبی با توجه به آنکه ائتلاف‌های موضوعی جای اتحادهای دائمی و همه‌جانبه را گرفته‌اند، عدم درک صحیح از نظم جهانی می‌تواند تحلیل و کنشگری را در مقابل این دست پروژه‌های امنیتی سازی مخدوش نماید. معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک خطر به بهانه‌ی هسته‌ای، نقش‌آفرینی منطقه‌ای یا هر موضوع دیگری به انگیزه‌ی امنیتی سازی ایران امری است که می‌بایست در ظرف نظم پساقطبی و اقتدارگرایی حداکثری محیط جهانی دیده و تحلیل شود. در عین حال باید توجه داشت که به واسطه‌ی نظام پذیرفته شده‌ی عدم اشاعه‌ی هسته‌ای، فناوری هسته‌ای به نوعی مزیت نسبی تمام کشورهای عضو دائم شورای امنیت است و بنابراین سیاست ایشان در خصوص موضوع هسته‌ای ایران بسیار به هم شبیه است؛ حال آنکه موضوعات دیگری نظیر بهانه‌های حقوق بشری و آزادی‌های سیاسی به هیچ روی نمی‌توانستند تا این حد قدرت‌های عمده‌ی جهانی را علیه ایران متحد کند. ضمن آنکه مزیت نسبی دیگر این کشورها عضویت در شورای امنیت است که به همین روست که این کشورها و

به خصوص فرانسه و روسیه (که قدرت نسبی‌شان در داخل شورای امنیت بیش از خارج آن است) ترجیح دادند موضوعی چنین را از مجرای شورای امنیت عبور دهند که خود نقش‌آفرینی پررنگ‌تری نسبت به آن داشته باشند.

۶. نتیجه‌گیری

واقعیت آن است که جهان امروز در ابعاد متنوع و به طریق اولی در زمینه سیاسی، بیش از همیشه به گفتار وابسته شده است. در سیاست و سیاست خارجی که برای ما در پژوهش حاضر بیشتر حائز اهمیت است، کنش‌های گفتاری از جنس فضا سازی، اجماع سازی، اتحاد سازی و غیره در مقایسه با گذشته تأثیر محوری پیدا کرده‌اند. شرایط کنونی محیط بین‌المللی که دیگر می‌توان آن را به جرأت نظم پساقطبی نامید، اقتضای این معنا را دوچندان کرده است. اگر در نظم دوقطبی دوران جنگ سرد، متحد بودن یا متمایل بودن به یک قطبی بیش از هر چیز بازی در زمین امنیتی و نظامی بود، امروز که تقریباً مسجل شده است که هیچ کنشگری نمی‌تواند به سادگی به سان یک هژمون یا حتی قطب در محیط بین‌المللی رفتار کرده و پذیرفته شود، کنش‌های گفتاری و آنچه برای ما محوریت بیشتری هم دارد، یعنی امنیتی سازی ورطه‌ی بازی کنشگران امروز است. آنچه در نامطلوب کردن محیط و بالا بردن هزینه‌ی کنشگری برای ایران به تجربه مستقیم بر جمهوری اسلامی ایران رفته است، اگرچه تنها نمونه امنیتی سازی نیست، اما قطعاً یکی از مهم‌ترین، بارزترین و بادوام‌ترین آنهاست. درک این امر و اشتباه نگرفتن فضای امنیتی سازی با فضای امنیتی، اولین گام در بازاندیشی درباره‌ی چگونگی حل مسأله است. آنچه برای این پژوهش مهم است، اینکه اشتباه در دریافت این امر و نشان دادن واکنش‌هایی که بیشتر مقتضای امنیتی دارند تا آنکه پاسخی درخور بازی امنیتی سازی باشند، گاهی اثر معکوس داشته و دقیقاً آنچه کنشگری امنیتی‌کننده مورد نظر دارد را تقویت می‌کند. نمونه‌های دیگر در پهنه‌ی تاریخ و جغرافیا نشان از آن دارد که آگاه بودن یا نبودن نسبت به اصل موضوع و لحاظ کردن الزامات متناسب در طراحی واکنش و بازی مقابل دارای تبعات به غایت متنوعی خواهد بود. واکنش‌های چین و روسیه به این گونه تلاش‌ها از جانب ایالات متحده که ذکر شدند، بیش از هر نمونه‌ی دیگر در این باب افاده‌ی معنا می‌کنند.

References

1. Ahren, R. (2015). Would a nuclear Iran truly pose an existential threat to Israel? Retrieved from <https://www.timesofisrael.com/would-a-nuclear-iran-truly-pose-an-existential-threat-to-israel/#:~:text=Several%20former%20and%20current%20Israeli,Tamir%20Pardo%20said%20in%202011.>
2. Ansarifard, M; Haji-Yousefi, A. (2023). Challenges of Iran Deterrence Strategy in the Middle East: From Alliance to Gray Zone Politics. *Geopolitics Quarterly*, 19(69), 96-130. **[In Persian]**
3. Baker, J; Hamilton, L. (2006). *The Iraq Study Group Report*. Vintage books.
4. Beach, D. (2012). *Analyzing Foreign Policy*. Previlage MacMilan.
5. Binaeian, A; Hafeznia, M.R; Sajjadpour, S; Romina, E. (2023). The Impact of the Policy on Solidarity and National Identity (Case Study: Iran's Nuclear Energy Policy). *Geopolitics Quarterly*, 19(69), 1-32. **[In Persian]**
6. Bolouky, S; Khoshkhathi, M; Keshavarz Ghasemabadi, B. (2023). Comparative Study of Foreign Policy Discourses; Rouhani's Administration and Ahmadinejad's Administration. *Geopolitics Quarterly*, 19(71), 215-240. **[In Persian]**
7. Buzan, B; Waever, O; De Wilde, J. (2021). *Security: a new framework for analysis* (3 ed.). (A. Teyyeb, Trans.) Tehran: RIS studies. **[In Persian]**
8. Cooper, R. (2015). Netanyahu has been warning Iran is close to a nuke since 1992. *The Week*. Retrieved from <https://theweek.com/speedreads/542019/netanyahu-been-warning-iran-is-close-uke-since-1992>.
9. Del Sarto, R. (2021). Sectarian securitization in the Middle East. *International Affairs*, 759-778.
10. Foucault, M. (2011). *Folie et deraison, Histoire de la folie a l'age classique* (9 ed.). (F. Valiani, Trans.) Tehran: Hermes. **[In Persian]**
11. Gao, L. (2023). China says U.S. warship 'illegally' entered waters in the South China Sea. Retrieved from NBC News: <https://www.nbcnews.com/news/world/china-says-us-navy-ship-illegally-intruded-waters-south-china-sea-rcna127859>.
12. Gross, J.A (2021). War: What Israel talks about when it talks about striking Iran's nuclear program. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com/what-israels-talking-about-when-it-talks-about-striking-irans-nuclear-program-war/>.
13. Hadian, N; Hormozi, S. (2011). The Role of Missile Defense System on Nuclear Deterrence; Survey of Iran's Security-Military Behavior. *Foreign Relations Quarterly*, 3, 49-74. **[In Persian]**
14. Hussain, M. (2015). Benjamin Netanyahu's long history of crying wolf about Iran's nuclear weapons. Retrieved from <https://theintercept.com/2015/03/02/brief-history-netanyahu-crying-wolf-iranian-nuclear-bomb/>.
15. Iran nuclear Programme at 'Critical Point', Israeli Prime Minister Warns. (2021). Retrieved from <https://news.un.org/en/story/2021/09/1101372>.
16. Israel no Closer to Attack on Iran Nuclear Sites, Official Says. (2023). Retrieved from [https://www.reuters.com/world/middle-east/israel-no-closer-attack-iran-nuclear-sites-official-says-2023-06-30/#:~:text=JERUSALEM%2C%20June%](https://www.reuters.com/world/middle-east/israel-no-closer-attack-iran-nuclear-sites-official-says-2023-06-30/#:~:text=JERUSALEM%2C%20June%20)

- 2030%20(Reuters),have%20sought%20to%20cool%20tensions.
17. Israel Urges Hard Line against Iran at Nuclear Talks. (2021). Retrieved from <https://www.politico.com/news/2021/12/05/israel-iran-nuclear-deal-523765>
- (2022). China Reacts Fiercely to Pelosi's Taiwan Visit. Voice of America.
18. Jervis, R. (2020). How Statemen Think. (A. Maleki, Trans.) Tehran: Allameh Tabatabaei Univeristy. **[In Persian]**
19. Kissinger, H. (2014). World Order. New York: Penguin Press.
20. Kistersky, L. (1996). New Dimensions of the International Security System after the Cold War. Stanford University's Center for International Security and Cooperation.
21. Lee, M. (2023). Chinese balloon soars across US; Blinken scraps Beijing trip. Retrieved from <https://apnews.com/article/politics-antony-blinken-china-314302278a5f05bdc2df146ed5b35ec6>.
22. Leffler, M; Westad, O. (2010). Nuclear Weapons and the Escalation of the Cold War, 1945–1962. In The Cambridge History of the Cold War (pp. 376-397). Cambridge University Press.
23. Lipin, M. (2023). Q & A: Israel Will Prevent Iran From Acquiring Nuclear Weapons Capability, Envoy Says. Retrieved from Michael Herzog, Israel's Ambassador to US, Talks With VOA: <https://www.voanews.com/a/israel-will-prevent-iran-from-acquiring-nuclear-weapons-capability-envoy-says/6966513.html>.
24. Malley, J. (2023). Is Iran really the existential threat Israel claims it is? This author thinks not. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com/is-iran-really-the-existential-threat-israel-claims-it-is-this-author-thinks-not/>.
25. Moshirzadeh, H. (2017). Development in International Relations Theories. Tehran: Samt. **[In Persian]**
26. Mousa, E. (2018). Reflections on Israel's Victim Mentality. Retrieved from The Times of Israel: <https://blogs.timesofisrael.com/reflections-on-israels-victim-mentality/>.
27. Mousa, E. (2021). The Collective Assassin: the insecurity and victimhood behind Israel's militarism. Retrieved from Mondoweiss: <https://mondoweiss.net/2021/01/the-collective-assassin-the-insecurity-and-victimhood-behind-israels-militarism/>.
28. Nietzsche, F. (2023). On the Genealogy of Morality (21 ed.). (D. Ashouri, Trans.) Tehran: Agah. **[In Persian]**
29. Omid, A; MoradiFar, S. (2014). Securitized Construction of Iran's Nuclear Activities. Global Politics, 4(3), 121-149. **[In Persian]**
30. Ramon, H. (2021). Is a nuclear Iran an existential threat? Retrieved from <https://www.jpost.com/middle-east/iran-news/is-a-nuclear-iran-an-existential-threat-684077>.
31. ReisiNejad, A. (2023). Iran's Strategic Loneliness and Non-State Foreign Policy: From Curse of Geography to Geopolitical Predicament. Geopolitics Quarterly (1), 260-306. **[In Persian]**
32. Rezaei, D; Hafeznia, M.R; Afshardi, M; Ahmadi Nohdani, S. (2023). Explaining

- the Action Pattern of Geopolitical Territorialization of Countries. *Geopolitics Quarterly*, 19(71), 1-33. **[In Persian]**
33. Simbor, R; Rahm Del, R; Fallah, M. (2017). The Dillema of Iran's Nuclear Issue from Realism Perspective. *The Studies of International Relations Journal*, 36, 87-106. **[In Persian]**
34. Sipress, A. (2002). Israel emphasizes Iranian threat. Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/archive/politics/2002/02/07/israel-emphasi-zes-iranian-threat/b033ec97-9ad4-4ed2-8b2c-c13e3dc823f0/>.
35. Staff, T. (2021). Israel is acting against Iranian 'existential threat,' Gantz tells BBC Persian. Retrieved from <https://www.timesofisrael.com/israel-is-acting-against-iranian-existential-threat-gantz-tells-bbc-persian/>.
36. Toosi, N. (2022). The line Biden won't cross on Ukraine. Retrieved from Politico: <https://www.politico.com/news/2022/03/02/biden-ukraine-russia-00013273>.
37. Toosi, N; Bertrand, N. (2021). Iran, U.S. signal nuclear talks will resume despite alleged Israeli attack. Retrieved from <https://www.politico.com/news/2021/04/12/iran-us-nuclear-talks-israeli-attack-481001>.
38. Vick, K. (2005). Iran's President Calls Holocaust 'Myth' in Latest Assault on Jews. Retrieved from Washington Post: https://web.archive.org/web/20090428170838/http://www.google.com/hostednews/ap/article/ALeqM5h-NABlEjaGSsDBh_qdPdNmX7V6VwD97MSP9G0.
39. Williams, D. (2023). Top Israeli general says 'action' is on horizon over Iran nuclear work. Retrieved from <https://www.reuters.com/world/middle-east/top-israeli-general-says-action-is-horizon-over-iran-nuclear-work-2023-05-23/#:~:text=%22Iran%20has%20advanced%20with%20uranium,forces%2C%20said%20in%20a%20speech>.
40. Zabihi, R. (2021). *Sociology of I.R. of Iran's Foreign Policy in the Framework of Nuclear Program and Diplomacy*. (S. DehghaniFiroouzAbadi, Ed.) Tehran: Institute for Political and International Studies (IPIS). **[In Persian]**
41. Zarif, J; Sajjadpour, S; Molaei, E. (2017). *Transition in International Relations of Post-Western World*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Press. **[In Persian]**
42. Zarif, M; Karimi, S. (2023). Iran and the cognitive challenge in various perceptions of strategic alliance in international relations. *Countries Studies*, 3, 95 - 99. **[In Persian]**

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

